

## ایران زمین

چاشنی ذوق سازندگان یا سازتراش‌ها ساخته می‌شوند؛ آگاهی از علم درودگری (نجاری) دانش اولیه‌ای است که هر سازنده ناکزیر از دانستن آن است. امروزه در غرب بسیاری از سازها توسط دستگاه‌های دقیق الکترونیکی خلق می‌شوند و طبیعی است زحمتی که سازی دست‌ساز می‌برد، قابل مقایسه نیست با کار ماشین، و این یک اصل است؛ که همیشه هر هنر مخلوق و دست‌ساز، از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است تا آنچه را ماشین می‌سازد، و البته در هر دو مورد تکنیک و برتری صدا حرف نخست را می‌زند.

ما بنا داریم در هر شماره از سازنده‌های موفق سازهای موسیقی ایران سخنی به میان آوریم و حتی المقدور به بحث‌هایی تکنیکی با آنها خواهیم پرداخت.

سنتور در ایران: از آلات موسیقی عیلامی‌ها محسوب می‌شده زیرا آنها دو نوع چنگ و نی و سازی شبیه سنتور داشته‌اند. توجه عیلامی‌ها به هنر از سنگ نبشته‌های ایذه مشخص می‌گردد. سنتور در ادوار مختلف و با نام‌هایی در تاریخ ایران ملاحظه می‌شود، گاهی آن را به نام قانون (و یا به عبارتی قانون و سنتور را به یک نام) ذکر کرده‌اند، در حالی که گذشته از زهی و مضرابی بودن هر دو، اختلافات بسیاری در شکل ظاهر و تکنیک نوازندگی آن دو موجود است.

باشد تا در شماره‌های بعد راجع به ساختمان ساز صحبت شود. به مناسبت سالگرد در گذشت مهدی ناظمی مبحث سازشناسی را به ساز سنتور اختصاص می‌دهیم تا در شماره‌های دیگر به طور مفصل به آن بپردازیم.

سنتور از آلات زهی (ذوات‌الوتار) مضرابی موسیقی ایران، با سابقه بسیار کهن می‌باشد. نخستین آثاری که از سنتور در دست است موجودیت این ساز و جای پای تاریخی آن را حجاری‌های قدیم آشور و بابلیان در (۶۶۹ ق.م) مشخص می‌کند، در بعضی متون کهن، اختراع سنتور را به فارابی منسوب داشته‌اند، اما با توجه به اسامی آلات موسیقی زمان ساسانیان از زبان مسعودی که سنتور نیز زمره آنهاست انتساب مذکور زیاد منطقی به نظر نمی‌رسد.

واژه سنتور که در مآخذ مختلف با اشکال گوناگون سنطور، سنطیر (عربی) صانطور، ضبط گردیده، در واقع کلمه‌ای آرامی است و قوم یهود نیز از آن استفاده کرده‌اند این ساز در اوایل قرون وسطی به کشورهای غربی راه یافته و بنا به موقعیت قومی و زبانی آنها نام‌گذاری گردیده. در ادبیات انگلیس از سنه ۱۴۰۰ م. به بعد از آن به نام (دالسیمر) یا (دلسی مر) یاد شده است.

یکی از موضوعهای شایان توجه در مبحث موسیقی به طور اعم و موسیقی ایران به گونه‌ی اخص سازسازی سازهای موسیقی است. سازهایی که ما به صورت ظاهر از آنها فقط خشک سیمی و خشک چوبی و خشک پوستی می‌بینیم و این که به قول مولانا: «از کجا می‌آید این آوای دوست». هریک از افزارهای نوازندگی موسیقی، خود دارای روند تکاملی خاصی هستند که در طی سالیان طولانی و همزمان و همپای با فرهنگ مردم هر مرزوبوم گام برداشته است. امروزه بررسی ساختمان سازهای موسیقی ایران، در محدوده بخش طرح ساختمان آنها با معماری قدیم ایران، خود عنوان تحقیق‌های علمی قرار گرفته و حتی منتج به نتیجه نیز گردیده است.

شکل شکل کاسه تار و آن طنین و وسعت اجرایش، زیبایی و زمزمه سه تار، و یا عظمت پرهممه سنتور، و ساز دوقلویش (از لحاظ شکل ظاهری) یعنی قانون، اصالت بی‌تردید کمانچه و انواع کمانچه‌های محلی با آن نقطه اتکایی که بر زمین (سطح) دارد و نای مقید، که بندبند آدمی را در بندهایش به بند می‌کشد. همین‌طور دایره بسیار هماهنگ تنبک و جلاجل دف، و مشخصه‌های دیگر سازها چون رباب، قیچک، و دیگر سازهای موسیقی ما، همه بازگوی این واقع است که ساختمان هر یک از آلات مذکور بنابر زمینه فکری و بر پایه اصالتی واقعی‌گرایانه و منطقی تشکیل یافته و در طی ادوار و قرون، استادی سینه سوخته در جهت تکامل آنها، حرفی بر آن افزوده است. گاهی سیمی به نام مشتاق توسط اهل دلی که ناخنی یا پنجه‌ای به ساز داشته، به سه تار افزوده گردیده و یا تازی به پنج سیم تار، که گفته‌اند توسط درویش‌خان، و یا نکته‌ای در سنتور توسط استاد مرحوم مهدی ناظمی؛ چرا که ساختمان یک ساز در بادی امر به نظر، تنها شکل می‌آید و شاید بسیاری ندانند که حتی یک دهم میلی‌متر نیز در ساختمان این سازها منشأ اثر بوده و هستند و این نکته را بارها از زبان استادان سازنده شنیده‌ایم، که کمتر سازی از سازهای دست‌ساز، به قدر سازهای موسیقی ما ظرافت‌کاری سازنده را می‌طلبد و سازندگان آن بیش از هر محصل و طلبه‌ای در راه حصول به مقصود، در اصطلاح دود چراغ خورده‌اند، چرا که در مشرق‌زمین که سازهای موسیقی هنوز توسط دست و با



سنتوری چینی است تصویر شده با مشخصاتی شبیه سنتور امروز البته با کمی اختلاف، و بالاخره هک برت (Hack Bret) نام آلمانی آن است. پیانو با الهام از سنتور ساخته شده و کم کم تغییراتی در سیستم مذکور به وجود آمد تا به شکل پیانوهای اولیه و بعد پیانوهای امروز درآمد. امروز نزدیک به ده نوع سنتور مانند سنتورهای عراقی، هندی، مصری، ترکی در کشورهای دیگر نواخته می شوند.

(The Oxford companion to Music) در ۱۶۶۰ م. پپی (Pepy) استماع آن را برای اولین بار ثبت نموده و می گوید سالها صدای این ساز در بریتانیا و در خیابانهای لندن و نمایشات به گوش می رسد. به روایت اثر پیش گفته، دالسی مرنوازان گروه های کولی در مجارستان، رومانی و بوهیمیا انواعی از آن را می نواختند. در ترجمه انگلیسی موسیقی بائبل (Music of the Bible) در تورات، سنتوری به نام یانگ کین (Yangkin) که

